

دورهٔ تیموریان عصر تحول و توسعهٔ هنرهای تزئینی از جمله کاشی‌کاری، درودگری، قالی‌بافی، سفالگری و ... بود. از قرن هشتم و اوایل قرن نهم در حرم مطهر آثاری برجای مانده که بعضی از آنها در موزهٔ مرکزی آستان قدس نگهداری می‌شود.

یکی از این آثار در چوبی منبت‌ساز و مشبک‌کاری و گره‌چینی است، که مشهور به در مقبرهٔ خالصی بوده است. این در از چوب شمشاد و به سفارش یکی از نقبای هشتم مقدم ساخته شده است. در این مقاله سعی شده است با استناد به کتیبهٔ تاریخی در، که نام سفارش‌دهنده یعنی «امیر عبدالرحمن بن امیر ظاهر موسوی» را مشخص می‌نماید و نیز، تحقیق در مورد این شخصیت و همچنین با توجه به سبک هنری به کار رفته در ساخته این در، تاریخ ساخت و دلیل سفارش و محل نصب آن را در گذشته معلوم گردد.

آستان قدس

حشمت کفیلی

معرفی دری نفیس از موزهٔ آستان قدس

دورهٔ تیموریان عصر تحول و توسعهٔ درخشان هنرهای تزئینی از جمله کاشی‌کاری، درودگری، قالی‌بافی، سفالگری، جواهرکاری، فلزکاری، حکاکی، و حجاری بود. از قرن هشتم و اوایل قرن نهم در حرم مطهر آثاری برجای مانده که بعضی از آنها در موزهٔ مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. یکی از این آثار در چوبی منبت‌ساز و مشبک‌کاری^۱ و گره‌چینی است که مشهور به در مقبرهٔ خالصی می‌باشد، و حدود سه سال

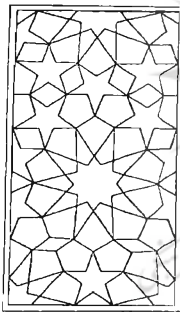
۱- منبت: رویانیده شده، مأخوذ از تازی، نقشهای برجسته به شکل گل و گیاه و جز آن که بر روی چیزی نقش کنند و هر آنچه در وی کنندگری کرده باشد خواه چوب باشند و یا جز آن. به اصطلاح نقاشان و معماران، نقشی که از زمین خود اندک بلند باشد چنانکه نقش سکه بر رویه، آن را به فارسی منبت‌کاری هم گویند. (لغت‌نامهٔ دهخدا).

۲- مشبک‌کاری: پنجره پنجره، یا چشمه چشمه ساختن چیزی را. از هنرهای ظریف و دستی که بر چوب یا فلز نقشهایی مشبک پدید آورند. (لغت‌نامهٔ دهخدا).

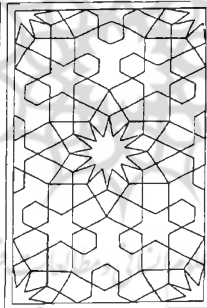
پیش در نوسازیه‌های اخیر حرم مطهر از محل نسب آن برداشته شده و از سال ۱۳۷۶ در طبقه پایین موزه مرکزی در کنار دیگر درهای چوبی قدیم حرم مطهر به نمایش گذاشته شده است.

مشخصات هنری در چوبی

این در، از چوب شمشاد به ابعاد ۱۷۹×۳۴۵ س.م. در اوایل قرن نهم یا اواخر قرن هشتم به سفارش یکی از نقبای مشهد مقدس ساخته شده است. این اثر با توجه به آسیب زیادی که در گذر سالهای متمادی دیده، هنوز یک اثر هنری بی نظیر به شمار می آید. استاد هنرمند برای خلق این اثر هنرهای منبت و مشبک و گره چینی را در هم آمیخته است.



طرح شماره (۲)



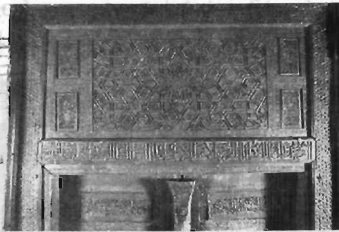
طرح شماره (۱)

این در، دارای سه قاب بزرگ گره چینی مزین به نقوش نباتی منبت شده و قابهای کوچک مشبک و منبت می باشد. (طرحهای ۱ و ۲) از جمله پدیده‌های فرهنگی و هنری این در، کتیبه‌های آن است. یکی از کتیبه‌ها بر پیشانی در نقش بسته و شامل نام و القاب سفارش دهنده می باشد و کتیبه دیگر یک بیت شعر است که بر دو لنگه در نوشته شده است. (تصاویر شماره ۱ و ۲).

قاب کتیبه پیشانی در ابعاد ۱۴×۱۴۵ س.م. و متن آن به خط ثلث بر زمینه‌ای ساده به این مضمون نوشته شده است:

«هذه امر بتجدید العمارة للمسجد الشریف المرترضی الاعظم الاعلم السلطان النقباء

فی العالم امیر عبدالحی ابن امیر طاهرالموسوی.^۱



تصویر شماره (۱)

کتیبه دوم در دو قاب به ابعاد ۴۱×۱۷ س.م. به خط ثلث بر زمینه‌ای مشبک و مزین به نقوش اسلیمی به این مضمون می‌باشد:

«جهانت به کام و فلک یار باد
جهان آفرینت نگهدار باد»

در قسمت بالای زوار در نیز طرح زیبای کوفی گره‌دار (طرح شماره ۳) حک شده و نوار

۱- با توجه به کتیبه مزبور «امیر عبدالحی بن امیر طاهرالموسوی» سفارش دهنده در مورد نظر، جهت تجدید بنای مسجدی بوده، اما از شرح کامل احوال و زندگی وی در کتب تاریخ و رجال مطلبی به دست نیامد. مهمترین اطلاع به دست آمده از قاضی نورالله شوشتری است که در مجالس المؤمنین - مجلس دوم ذیل نام موسویه - به ذکر سلسله سادات موسوی می‌پردازد که جزء نقبای مشهد مقدس بوده‌اند: «نسب شریف اعلیحضرت شاه دین‌پناه خلدالله ملکه و سلطانه و سادات و نقبای مشهد مقدس رضوی به احمد بن محمد اعرابی ابن قاسم بن ابی القاسم حمزه بن امام موسی الکاظم (ع) می‌رسد و بالجمله نسل احمد بن محمد اعرابی مذکور از چند پسر است. ابو محمد اسمعیل که جد اعلیحضرت شاه دین‌پناه است و موسی و محمدالمجذور که نسب نقبای عظام موسوی مشهد مقدس رضوی به ایشان منتهی می‌شود و از متأخران ایشان سیدالنجیب غیاث‌الدین محمد بن شریف بن نظام‌الدین علاءالملک بن عبدالمطلب بن نظام‌الدین عبدالحی بن طاهر بن محمود شاه بن حسین بن طاهر نقیب است و این طاهر در زمان پادشاه مغفور سلطان غازان از مشهد مقدس منور رضوی به اتفاق برادر خود سید علاءالدین و بعضی از بنی اعمام متوجه تبریز شدند. سیدعلاءالدین در راه بقتل رسید و سیدطاهر از پادشاه مذکور، نشان نقابت به اسم خود گرفت - و اول کسی که از سادات عظام موسویه در نسل او باقی است.» (قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران، چاپ سنگی ۱۲۹۹خ، ذیل نام موسویه).

محمدحسن خان صنیع‌الدوله، مؤلف مطلع‌الشمس نیز از شخصیتی به نام امیر نظام‌الدین عبدالحی که در قرن نهم می‌زیسته و معاصر سلطان حسین باقرا بوده نام می‌برد. (مطلع‌الشمس، تهران، چاپخانه آبان ۱۳۶۲، ج اول و دوم، ص ۷۱۱).

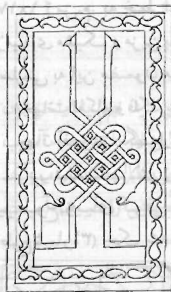
فصیح خوافی نیز از «سید نظام‌الدین عبدالحی» نقیب سادات مشهد نام می‌برد که در سال ۸۲۹ در قم وفات یافته است. (مجمعل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، مشهد، کتاب‌فروشی باستان، ۱۳۳۹، ج ۳).

جهت آگاهی بیشتر رک.

- ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد. تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰خ، ص ۴۷۰.

- حبیب‌السیر، جلد چهارم، تألیف غیاث‌الدین همادالدین الحسینی، زمستان ۶۲، ص ۳۳۳.

تزیینی با طرح گره‌های هندسی در سه طرف چهارچوب کار شده است. این هنرنمایی درودگر چیره‌دست در تجلی متناسب نقش و کتیبه در کنار هم اثر هنری زیبایی را به جا گذاشته است.



طرح شماره (۳)



تصویر شماره (۲)

آسیب‌شناسی در چوبی

این در که سالیان متمادی در مجموعه حرم مطهر و در معرض عبور و مرور زائران نصب بوده، در اثر تماس دست دچار ساییدگی و فرسایش بسیار گردیده که آثار آن بر روی زه‌وار بیشتر به چشم می‌آید. همچنین وجود ترکهای بزرگ روی نوار تزیینی چهارچوب حاکی از آسیب‌دیدگی آن به دلیل شرایط نامناسب موقعیت نصب آن در گذشته بوده است (تصویر شماره ۳). بخش تحتانی چهارچوب در که دچار تخریب گردیده در گذشته بازسازی شده و کسریها با قطعه چوبی ساده و بدون تزیین ترمیم شده است. آثار خوردگی و تخریب چوب، نشانگر آسیبهای بیولوژیکی آن است. این

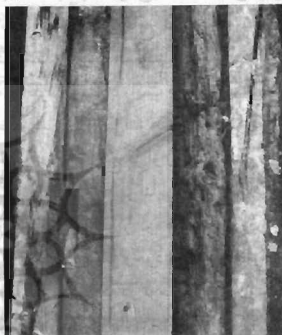


تصویر شماره (۳)

امر نیز فرسودگی آن را به دنبال آورده و از استحکام در کاسته است. سبب این آسیبها موربانه و حشرات چوب خوار بوده است. قطعه فلزی اخیراً در پشت آن الصاق شده که ظاهراً به منظور استحکام بخشی بوده، اما نمی تواند چاره ساز باشد (تصویر شماره ۴). یکی دیگر از آسیبهای وارده بر آن رنگ صنعتی قهوه ای است که به نظر می رسد برای پیشگیری از هجوم و تخریب حشرات بر آن زده شده که متأسفانه خود موجب صدمه بسیار گردیده است زیرا رنگ، فضاهای منبت و مشبک را پوشانده و به اصالت و زیبایی آن لطمه وارد کرده است (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره (۵)



تصویر شماره (۴)

از ضروری ترین اقداماتی که برای احیاء این در نفیس بایستی انجام پذیرد نخست برداشتن رنگ صنعتی روی آن و دیگر جدا کردن فلزاتی است که در پشت آن به کار رفته. ضمن این که با ایجاد شرایط مناسب از لحاظ درجه حرارت و رطوبت نسبی محیط می توان کمک مهمی به احیاء آن نمود. با توجه به این که چوب در از پشت آن در اثر هجوم حشرات آسیب زیادی دیده، پیشنهاد می شود بر اساس اصول مرمتی استحکام بخشی گردد.

محل اصلی استقرار در

از کتیبه‌های فوقانی این‌گونه برداشت می‌شود که این در هم‌زمان با تجدید و تعمیر بنای مسجد بالاسر در محدوده حرم مطهر حضرت رضا^ع ساخته شده و طی سالهایتمادی با تغییر و تحولاتی که در معماری مجموعه حرم علی بن موسی الرضا^ع صورت گرفته، جابه‌جا شده است. بر اساس منابع تاریخی با توجه به اعتقاد خاص شیعیان (الصلوة عند رأس الامام)^۱ اولین ساخت و سازهای جانبی بارگاه مطهر حضرت رضا^ع در سمت بالاسر حضرت انجام گرفته و اولین مسجد، مسجد بالاسر می‌باشد. قدیمی‌ترین منبعی که از این مسجد نام می‌برد تاریخ بیهقی است که در ذکر وقایع تاریخ سنه تسع و عشرين اربعمائة چنین می‌نویسد: «...روز دوشنبه ششم شعبان المعظم بوالحسن عراقی دبیر گذشته شد... و من در سنه احدى و ثلثین که به طوس رفتم با رایب منصور، پیش که هزیمت دندانقان افتاد، و به نوقان رفتم و تربت رضا را - رضی الله عنه - زیارت کردم و گور عراقی را دیدم در مسجد آن‌جا که مشهد است در طاقی پنج گز از زمین تا طاق و او را زیارت کردم...»^۲ در حال حاضر نیز در سمت مغرب حرم مطهر بنایی است که آن را مسجد بالاسر می‌نامند، اما منابع مختلف تاریخ آستان قدس ذکر کرده‌اند که در مغرب دارالسیاده روبه‌روی پنجره نقره نیز مسجدی معروف به بالاسر وجود داشته و محرابی قدیمی با تاریخ ۷۱۲ هـ ق نیز در سمت جنوب آن قرار داشته که در توسعه و نوسازیهای سال ۱۳۲۰ پس از خراب کردن دیوار مسجد برداشته^۳ در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴ نیز فضای حرم مطهر از سمت بالاسر مبارک توسعه یافت و تغییرات مهمی بین مسجد بالاسر و حرم در ضلع غربی آن داده شد.^۴ به نظر می‌رسد مهمترین تغییرات به وجود آمده در این محل در قرن نهم بوده که هم‌زمان با ساخت بنای مهم دارالسیاده مسجد

۱- ر.ک: تقی بینش، «مسجد بالای سر»، نامه آستان قدس، ش ۲۷-۲۶، سال ۴۶.

۲- بیهقی، خواجه ابوالفضل محمدبن حسین. تاریخ بیهقی، انتشارات هیرمند، تهران، چ اول ۱۳۷۶، ص ۸۱۴.

۳- علی مؤتمن، تاریخ آستان قدس (مشهد)، آستان قدس، سال ۱۳۵۵، صفحه ۸۰، و نیز حاج محمد احتشام کاویانیان، شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس، مشهد ۱۳۵۵، ص ۷۵؛ و نیز ر.ک: تقی بینش.

۴- «مسجد بالاسر»، نامه آستان قدس، ش ۲۶-۲۷، سال ۱۳۴۶، صص ۶۲-۶۰، و شمس‌الشموس، صص ۶۰-۶۱.

۴- تاریخ آستان قدس، همان، ص ۸۷.

باشکوه گوهرشاد به حرم مطهر ارتباط یافته و ضمناً به تعمیر و تجدید بنای این مسجد نیز همت گماشته‌اند. (طبق کتیبه فوقانی در) بعضی منابع نیز اشاره نموده‌اند، مسجدی را که ابن بطوطه در سفرنامه خود (سال ۷۳۴ ق) در مجاورت حرم مطهر توصیف نموده، احتمالاً همان مسجد بالاسر مبارک بوده که قبلاً در خارج از حرم بوده است.^۱

در همین رابطه معمار قدیمی آستان قدس «حاج سید عسگری شیشه‌بُر آستان» اظهار نمود: در محلی که اکنون رواق دارالخلاص قرار دارد در گذشته مسجدی به نام مسجد بالاسر وجود داشته که در مورد بحث در این مقاله نیز پس از توسعه مسجد از محل اصلی خود برداشته شده و در آن موضع بر ورودی اتاقی نصب شده است (نقشه شماره «۱» و «۲»). این در به لحاظ ارزش بسیار هنری که دارد، توجه بعضی از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. از جمله در سال ۱۳۳۶ «جواد شفائی» در کتاب هنرگره‌سازی در معماری و درودگری گره‌های آن را معرفی کرده و محل نصب آن را چاپخانه مسجد بالاسر حرم حضرت رضا^(ع) نوشته است.^۲ بر اساس تحقیقات به عمل آمده منظور از چاپخانه اتاقی بوده که در طبقه فوقانی اتاق حقاظ قرآن در صنف سپهسالاری قرار داشته و آبدارخانه حقاظ بوده است. اعتمادالسلطنه نیز در مطلع‌الشمس از اتاقهایی به نام «تحويل خانه مبارکه» و «خزانه» در همین مکان نام می‌برد.^۳ به نظر می‌رسد «تحويل خانه» محل تحويل گرفتن اشیاء اهدایی و وقفی بوده و در کنار آن خزانه محل نگهداری آنها، در شمس‌الشموس نیز ذکر شده که در سال ۱۳۴۰ ق، خزانه به محل دیگری تغییر مکان یافت و آن محل را تعمیر نموده و در آن سردابهایی جهت دفن اموات ساختند. از جمله دفن‌شدگان در آن جا مرحوم حاج میرزا علی مجلل‌التولیه آستان قدس و پس از وی آیه‌الله حاج ملا محمدعلی فاضل و آقای حاج سیدعباس مجتهد شاهرودی و مرحوم حاج آقا شیخ مهدی خالصی کاظمینی^۴ می‌باشند.^۵

۱- شمس‌الشموس، صص ۷۵-۹۰، نیز مطلع‌الشمس، ج اول و دوم، صص ۳۸۴.

۲- جواد شفائی، هنرگره‌سازی در معماری و درودگری انجمن آثار ملی، تهران، سال ۱۳۳۶، صص ۱۰ و ۲۹۲ و ۲۹۳.

۳- مطلع‌الشمس، ج اول و دوم، صص ۳۷۹ و ۳۸۴.

۴- حاج شیخ مهدی خالصی از افاضل قرن چهاردهم ه. ق می‌باشد. وی اهل کاظمین بوده و در این شهر مدرسه بزرگی بنا نهاده به نام مدرسه الزهراء و کتابهای بسیاری برای طلاب علوم دینی رقت کرده است.

در سالهای اخیر این محل به نام «مقبره خالصی» شهرت یافته است. به جز اثر هنری مورد بحث آثار مشابه دیگر مربوط به قرن هشتم و نهم در موزه آستان قدس و دیگر موزه‌های دنیا وجود دارد که از رواج هنر منبت‌کاری در این زمان حکایت دارند. از آن جمله است: در چوبی منبت و معرق و گره‌چینی با تاریخ ۷۳۵ هـ. ق. معروف به در امین اقدس یا قاضی الحاجات که توصیف آن نیز مقاله‌ای دیگر را طلب می‌کند.



۵- پس از مخالفت با حکومت وقت بغداد در سال ۱۳۴۱ ق به حجاز تبعید گردید ولی بر حسب درخواست دولت وقت ایران به قم عزیمت نمود و از آنجا به مشهد مقدس آمد و اقامت گزید تا اینکه در روز دوازدهم رمضان المبارک سال ۱۳۴۳ دار فانی را وداع گفت. وی در مدت عمر خویش به تألیف کتب متعددی همت گماشت و از بزرگان و علمای اسلام به شمار می‌رفت. (جهت اطلاع بیشتر رک. محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران، کتاب‌فروشی خیام، چاپ سوم ۱۳۶۹، ص ۷-۱۱۶.

۵- شمس‌الشموس، صص ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۶۴.

۶- جهت اطلاع بیشتر رک.

حسین زمرشیدی، گره‌چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۶.

ای. ولف هانس، صنایع دستی کهن ایران، ترجمه دکتر سیروس ابراهیم‌زاده، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۸.

محمدحسن زکی، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، اقبال، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۶، صص ۲۸۲ تا ۲۷۷.